



## پیدایش زمینه احیای علوم اسلامی

در زمان امام محمد باقر (علیه السلام)

● آیت عباسیان

می‌کرد با اقبانوس علم و فضیلت آن حضرت مواجه می‌شد. اما دشمنی‌ها مانع نشر علوم آن حضرت شد. حضرات امام حسن، امام حسین و امام زین العابدین علیهم‌السلام هم با نیروهای قوی، مکار و حیله‌گر مواجه بودند و در این مدت فقط توانستند مقام عظیم خود و غصب بودن خلافت اموی را اثبات کنند. با نهضت سرخ حسینی، نهضت و جنبش فکری ایجاد شد و امام زین العابدین علیه‌السلام در قالب راز و نیاز و تعلیم آن به دیگران، این جنبش

دوازده امام معصوم در طول زندگانی خود دانشگاه اسلامی را پایه‌ریزی نموده و به حد اعلای امکان خود رساندند. چهار امام معصوم اول این دانشگاه را افتتاح نمودند که متأسفانه با جهالت و ضلالت و جنگ‌ها و ماجراجوئی‌ها و کارشکنی‌ها و جعل احادیث و خصومت‌ها مواجه بودند و موفق به تدریس گسترده نشدند. مولای متقیان علی علیه‌السلام که به تعبیر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باب مدینه علم بود<sup>۱</sup> می‌فرمود: «سَلُونِي

قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»<sup>۲</sup> و هر کسی سؤال

۱- مناقب علی بن ابی‌طالب، ص ۸۳  
۲- بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۸، روایت ۷.

را فعال نمود.

چهار امام بعدی زمینه را برای تدریس و تعلیم علوم اسلامی حاضر دیدند، از این رو با شکافتن مسائل علمی و بحث از فنون مختلف اصول دین، فقه اسلام، طب، ریاضیات، اخلاق و فضیلت و ... تشنگان حقیقت را سیراب کردند. امام باقر علیه السلام اولین این چهار امام بود.

### از تبار نور

امام محمد باقر علیه السلام فرزند امام زین العابدین و مارش فاطمه «ام عبدالله» دختر امام حسن علیه السلام است. آن حضرت اولین هاشمی بود که از دو طرف (پدر و مادر) فاطمی و علوی بود. «إِنَّ الْبَاقِرَ علیه السلام هَاشِمِيٌّ مِنْ هَاشِمِيَّيْنِ، وَ عَلَوِيٌّ مِنْ عَلَوِيَّيْنِ وَ فَاطِمِيٌّ مِنْ فَاطِمِيَّيْنِ لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ اجْتَمَعَتْ لَهُ وِلَادَةُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ كَانَتْ أُمُّ عَبْدِ اللَّهِ بِنْتُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ»<sup>۱</sup>

آن امام بزرگوار در اوّل ماه رجب یا سوم ماه صفر سال ۵۷ هـ. ق در مدینه متولد شد و در روز دوشنبه هفتم ذیحجه سال ۱۱۴ هـ. ق در سن ۵۷ سالگی در مدینه از دنیا رفت. مرقد شریفش در قبرستان بقیع کنار قبر

پدرش امام سجّاد علیه السلام است.

او نوزده سال و ده ماه و دوازده روز (از سال ۹۵ تا ۱۱۴ هـ. ق) امامت کرد و سرانجام به دستور هشام بن عبدالملک (دهمین خلیفه اموی) مسموم گردید.

### خلفای معاصر امام باقر علیه السلام

خلفای هم عصر آن حضرت عبارتند از ۱- ولید بن عبدالملک ۲- سلیمان بن عبدالملک ۳- عمر بن عبدالعزیز ۴- یزید بن عبدالملک ۵- هشام بن عبدالملک  
به استثنای عمر بن عبدالعزیز که نسبتاً دادگر بود و به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله علاقه داشت، همگی در ستمگری و استبداد و خودکامگی دست کمی از نیاکان خود نداشتند و مخصوصاً نسبت به پیشوای پنجم معصوم سختگیری می کردند.

### ۱- ولید بن عبدالملک

دوران خلافت ولید بن عبدالملک، دوره فتح و پیروزی مسلمانان در نبرد با کفار، وسعت حکومت اسلامی به شرق و غرب و

۱- همان، ج ۴۶، ص ۲۱۵، روایت ۱۳.

نفر عادی غذا می خورد)، خوشگذران و تجمل پرست بود. (سفره او همیشه رنگین و اشرافی و لباس های پر زرق و برق می پوشید و حتی خدمتگذاران او نیز موظف بودند که با لباس گلدوزی شده شرفیاب شوند و این رسم در دیگر شهرها معمول شد).<sup>۶</sup>

### ۳- عمر بن عبدالعزیز

دوره خلافت عمر بن عبدالعزیز دورانسی بود که کمتر در حق اهل بیت علیهم السلام ظلم شد. او نسبتاً دادگرد بود و پس از رسیدن به حکومت طی بخشنامه ای به استانداران و نمایندگان حکومت دستور داد که جبران ظلم های گذشته را بنمایند چرا که آنها در صدد اجری حق و رفتار ملایم و عمل نیک با مردم نموده و جان مردم را بر لب رسانده بودند. وی فرمان داد که هیچ کس حق ندارد کسی را پیش از

پیوستن بخش هایی از هند، کابل، کاشغر، طوس و مناطق مختلف و امتداد آن به اندلس بود.<sup>۱</sup> او سرکش، خدانشناس، ستمگر، فاسد، عیاش و هرزه بود.<sup>۲</sup> روزی شراب می خورد و روز دیگر آن را ترک می کرد.<sup>۳</sup>

### ۲- سلیمان بن عبدالملک

دوره خلافت سلیمان بن عبدالملک، دوره ای کوتاه و بیشتر از سه سال نبود.<sup>۴</sup> در آغاز حکومت از خود نرزش نشان داد و زندانیان حجاج بن یوسف را آزاد و مأموران مالیات او را برکنار و برنامه های ظالمانه او را لغو کرد. او با استفاده از این ترفند تقریباً چهره خود را در بین مردم مثبت جلوه داد. اما در کوتاه مدت دست به ظلم و خیانت زد. و این همواره راهی برای سوء استفاده کنندگان از افکار عمومی بوده که اول با دادن شعارها و وعده حل مشکلات روز جامعه، افکار عمومی را منحرف می کنند. او با انگیزه تعصبات قومی و قبیله ای، افراد قبایل مُضَری را زیر فشار و از رقبای آنان یعنی قبایل یمنی (قحطانی) پشتیبانی کرد.<sup>۵</sup> او فوق العاده حریص، پرخوار و شکم پرست (به طوری که به اندازه دو

۱- اندلس تا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص ۱۸-۱۷.

۲- مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۹۶.

۳- التاج فی اخلاق الملوک، ص ۱۵۱.

۴- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۵، ص ۱۱ و ۳۷.

۵- تاریخ صدر الاسلام والدولة الأمویة، ص ۱۹۷.

۶- مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۷۵.

خانه خود آغاز کرد و بعد از دستگاہ خلیفه قبلی و بعد شعاع مبارزه را افزایش داد.

### خدمات عمر بن عبدالعزیز

#### ۱- ممنوعیت سب علی علیه السلام

این بدعت میراث شوم معاویه بود. او در سال ۴۰ هجری زمانی که بر اوضاع مسلط شد برای آنکه چهره درخشان مولا علی علیه السلام را وارونه جلوه دهد، الف) دوستان را با زور شمشیر مجبور کرد که از بیان فضائل علی علیه السلام خودداری کنند. ب) احادیثی بر ضد علی علیه السلام جعل کنند. ج) در سراسر کشور اسلامی در روزهای جمعه بر فراز منابر لعن و دشنام علی علیه السلام را ضمیمه خطبه کنند.

عمر بن عبدالعزیز این بدعت را ممنوع کرد.<sup>۵</sup>

مشاوره با من کیفر کند.<sup>۱</sup> او به مبارزه با فساد پرداخت؛ اسبها و مرکبهای دربار خلافت را به مزایده علنی گذاشت، اموال و دارائیها و مستغلات و لباسهای سلیمان بن عبدالملک را به مبلغ بالغ بر بیست و چهار هزار دینار فروخت و به همسرش دستور داد تمام جواهرات و اموال و هدایای گرانبهائی که پدر و برادرش از بیت‌المال به او بخشیده بودند را بفروشد و همه آنها را به بیت‌المال برگرداند و اگر این کار را نکند خانه او را ترک کند.<sup>۲</sup> و اموال عمومی که بنی امیه و عموزادگانش از بیت‌المال تصاحب کرده بودند به بیت‌المال برگرداند و اموالی که از مردم به زور گرفتند با قاطعیت از آنها گرفت و به صاحبان آنها تحویل داد و دست آنها را تا حد زیادی از مال و جان مردم کوتاه کرد.<sup>۳</sup>

بنی امیه او را تهدید کردند که بر ضد تو شورش می‌کنیم و حکومت تو را واژگون می‌کنیم، او می‌گفت: غیر از حساب قیامت از چیز دیگری نمی‌ترسم.<sup>۴</sup> او در مبارزه با فساد بهترین راه را انتخاب کرد؛ کار را از

۱- تاریخ یعقوبی، ابن واضح، ج ۳، ص ۵۰.

۲- الامامة والسياسة، ابن قتيبة، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳- تاریخ الخلفاء، سیوطی، ص ۲۳۲.

۴- الاخبار الطوال، ابوحنيفة دینوری، تحقیق عبدالمنعم عامر، ص ۳۳۱.

۵- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۵۷.

زندانی کرد و تا پایان عمر او نیز زندانی بودند. عبدالله بن عمر که به دستور پیامبر احادیث را ضبط کرده بود از ترس، کتاب خود را پنهان کرد و تا به امروز اسمی از آن در میان کتاب‌های حدیثی نیست.<sup>۲</sup>

ابوبکر عمل خود را چنین توجیه نمود: به خاطر اینکه احادیث با آیات قرآن مجید آمیخته نشود باید احادیث را از بین برد.<sup>۵</sup> به دو دلیل این مطلب مردود است:

۱- زمانی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رحلت فرمودند، آیات و سوره‌های قرآن مضبوط و معین شده بود و نویسندگان و حافظان، آن‌ها را حفظ کرده و به گونه‌ای مشخص نموده بودند که هرگز با غیر آن آمیخته نمی‌شد.

۱- خصال، شیخ صدوق، باب الثلاثة.

۲- تذکرة الحفاظ. تمس الدین ذهبی، ج ۱، ص ۳.

۳- اضاء علی السنة المحمدیه، محمود ابو رریه، ص ۴۳.

۴- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، صص ۳۲۵-۳۲۴.

۵- اضاء علی السنة المحمدیه، محمود ابو رریه، ص ۴۳.

۲- بازگرداندن فدک به فرزندان

فاطمه زهرا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

او در ملاقاتی که در مدینه با امام باقر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داشت<sup>۱</sup> فدک را بازگرداند ولی در زمان خلافت یزید بن عبدالملک مجدداً فدک را از آن‌ها پس گرفتند.

۳- جلوگیری از بعضی از

انحراف‌ها

یکی از اقدامات عمر بن عبدالعزیز برداشتن منع حدیث بود. منع حدیث از بزرگترین انحراف‌هایی بود که بعد از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جامعه اسلامی رخ داد. خلیفه اول و دوم با مقاصد سیاسی از هرگونه نوشتن و کتابت حدیث جلوگیری کردند. ابوبکر گفت: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چیزی نقل نکنید و اگر کسی از شما درباره مسأله‌ای پرسید، بگوئید کتاب خدا قرآن در میان ما و شماست؛ حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمارید.<sup>۲</sup> عمر نیز بخشنامه کرد که هر کس حدیثی از پیامبر نوشته، باید آن را از بین ببرد.<sup>۳</sup>

او یاران پیامبر را که به اطراف می‌رفتند از گفتن حدیث منع کرد و حتی ابن مسعود، ابو درداء و ابوذر را

۲- قرآن معجزه است و از نظر فصاحت و بلاغت، روانی و سلامت و جذابیت و ترکیب جمله بندی، طوری است که هیچ کلام و نوشته‌ای به آن شباهت ندارد، گر چه از نظر فصاحت به عالیترین درجه برسد. از این رو آیات قرآن در میان خطبه‌های فصیح نهج البلاغه مانند گوهری می‌درخشد و هیچ وقت اشتباه نمی‌شود.

بعضی از محدثان این روایت را به پیامبر نسبت داده‌اند که: «چیزی از طرف من جز قرآن ننویسد و هر کس چیزی جز قرآن نوشته، باید آن را از بین برد.»<sup>۱</sup>

آیا آن حضرت کتابت حدیث را ممنوع کردند؟ باید گفت این مطلب به دو دلیل بی‌اساس است:

۱- حضرت علی علیه السلام احادیث فراوانی را ضبط کرده و دست به دست در میان ائمه بود و اگر پیامبر اکرم نوشتن حدیث را منع می‌کردند، هرگز علی علیه السلام چنین نمی‌کرد.

۲- در زمان پیامبر و به دستور او قریب به ۳۰۰ نامه در باب احکام و فرائض و مرافعات و سیاسات نوشته شد و ضبط گردید.

عده‌ای مزدور و دروغ پرداز از فرصت منع حدیث و حوادث بعد از آن استفاده نموده و مطالب دروغ و بی‌اساس را به نفع حکومت‌ها و زمامداران وقت به صورت حدیث جعل کردند، به خاطر اینکه به حافظه‌ها تمسک شده بود و هر کس می‌توانست هر گونه ادعایی بکند. راستی این‌ها چرا چنین عمل نمودند؟ مگر گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله مانند قرآن حجت نبود؟ مگر پیروی از آن بر همه مسلمانان واجب نبود؟ مگر این کلام الهی در قرآن نیست که هرگز پیامبر در گفتار خود از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید و هر چه بگوید طبق وحی الهی است؟<sup>۲</sup>

و در آیه دیگر صراحتاً می‌فرماید: «آنچه را پیامبر برای شما آورده بپذیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده خودداری کنید.»<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد هدف این بخشنامه‌ها انگیزه سیاسی بوده است تا حق را از بین ببرند.

#### ۴- یزید بن عبدالملک

۱- مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۱۲.

۲- نحل / ۳ و ۴.

۳- حشر / ۷.

او شد و موج اعتراضات مردمی بر علیه حکومت شروع شد. علاوه بر این افرادی خودخواه و ناشایست که توانایی اداره حکومت را نداشتند در رأس حکومت بودند و عده کمی که توانایی داشتند نیز به خاطر منافع مادی خود فعالیت می‌کردند نه به خاطر دین و آئین.

هشام مردی بخیل، خشن، جسور، ستمگر، بی رحم و سخنور بود.<sup>۳</sup> و این صفات باعث شد که کمبودهای اخلاقی و اجتماعی در جامعه نمایان شود.

#### شرایط ایجاد دانشگاه دینی به

##### دست امام باقر علیه السلام

در دوره امامت پیشوای پنجم با توجه به مطالبی که توضیح داده شد زمره‌های نارضایتی از خلفاء آغاز گردید و قیام‌هایی در گوشه و کنار سرزمین پهناور اسلامی صورت گرفت. هر چند بسیاری از این قیام‌ها ناکام ماند اما خلفاء اموی را به خود مشغول ساخت و شرائط مساعدتری

دوران خلافت یزید بن عبدالملک از تاریکترین ادوار حکومت بنی امیه بود. او در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز ولیعهد بود و در مقام خود با ظاهری فریبنده و با قیافه مقبولی ظاهر گشت. بعد از مرگ عمر بن عبدالعزیز مردم از او استقبال کردند، اما طولی نکشید که شروع به خشونت و سختگیری کرد. او عیاش و خوشگذران و لالایی بود و مجالس شبانه دربار را به مجالس ساز و آواز تبدیل کرد.<sup>۱</sup>

#### ۵- هشام بن عبدالملک

هشام بن عبدالملک در

جمع‌آوری ثروت و عمران و آبادانی تلاش می‌کرد.<sup>۲</sup> زمانی که حکومت او استقرار یافت، با آشوب‌ها و نهضت‌های داخلی مواجه شد. او آن‌ها را سرکوب کرد و آتش جنگ‌های خارجی را نیز خاموش ساخت. در این دوران قبائل ترکمن و خزر به دولت مرکزی فشار می‌آوردند و توطئه مخفیانه رهبران عباسی بر علیه حکومت اموی شروع شده بود. با این وضع جوانان بسیاری از عرب قربانی سیاست بدبینی و حسادت دربار فاسد

۱- سیره پیشوایان، صص ۳۳۴-۳۳۶.

۲- مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۰۵.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۷۰.

برید بن معاویه عجللی مکتب ما و احادیث پدرم را زنده کردند و اگر این چهار نفر نبودند، کسی از تعالیم دین و مکتب پیامبر بهره‌ای نمی‌یافت.<sup>۱</sup>

### حقارت دانشمندان در مقابل امام

#### باقر علیه السلام

در بیان فضائل علمی پیشوای پنجم، عبدالله بن عطاء که یکی از شخصیت‌های برجسته و از دانشمندان بزرگ عصر امام بود می‌گوید: «من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی علیه السلام از نظر علمی حقیر ندیدم. من «حکم بن عتبه» را که در علم و فقه مشهور آفاق بود دیدم که در خدمت محمد باقر علیه السلام مانند کودکی در برابر استاد عالی مقام زانوی ادب بر زمین زده، شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او گردیده بود.»<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام در سخنان خود اغلب به آیات قرآن استناد می‌کرد و می‌فرمود: هر مطلبی که گفتم، از من

برای ائمه علیهم السلام فراهم آمد تا به احیای سنت فراموش شده نبوی پردازند.

امام باقر علیه السلام با فراغت کامل دانشگاه دین را گشود و زندگی را کاملاً به تعلیم و تربیت آمیخته و در تمام شؤون زندگی در مدت بیست سال، لحظه‌ای فراغت نداشت و شب و روز در حضر و سفر، در هر حال که بود، علم و دانش را آموزش می‌داد. او مردم را بیدار و هوشیار کرد و حقایق یک قرن گذشته دین را به آن‌ها آموخت. آن حضرت اسلام را دور از غبار تحریفات بنی امیه و خرافات یهود ترویج کرد. مکتب او مکتب فضیلت و احسان بود و هزارها دانشمند، فریفته ملکات اخلاقی و احسان و اکرام او بودند.

#### شاگردان مکتب امام باقر علیه السلام

شاگردان آن حضرت شخصیت‌های بزرگی همچون محمد بن مسلم، زراره بن اعین، ابوبصیر، برید بن معاویه عجللی، جابر بن یزید، حمران بن اعین و هشام بن سالم بودند که از دریای علم آن حضرت بهره‌مند شدند. پیشوای ششم می‌فرماید: زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و

۱- اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، ص ۱۳۶، حدیث ۲۱۹.

۲- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ص ۶۷.



## منع حدیث از بزرگترین انحراف‌هایی بود که بعد از رحلت پیامبر ﷺ در جامعه اسلامی رخ داد. خلیفه اول و دوم با مقاصد سیاسی از هر گونه نوشتن و کتابت حدیث جلوگیری کردند.

پرسید که در کجای قرآن است تا آیه مربوط به آن موضوع را معرفی کنم.<sup>۱</sup>

باقر العلوم علیه السلام

آثار درخشان علمی پیشوای پنجم و شاگردان برجسته‌ای که مکتب بزرگ وی تحویل جامعه اسلامی داد، پیشگویی پیامبر اسلام را عینیت بخشید. جابر بن عبدالله انصاری از شخصیت‌های صدر اسلام می‌گوید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «بعد از من شخصی از خاندان مرا خواهی دید که اسمش اسم من و قیافه‌اش شبیه

قیافه من خواهد بود. او درهای دانش را به روی مردم خواهد گشود.»

این سخن زمانی گفته شد که امام باقر علیه السلام چشم به جهان نگشوده بود. بعد از سال‌ها حضرت را در کوچه‌های مدینه دید، متوجه نشانه‌های پیامبر شد، پرسید اسم تو چیست؟

فرمود: اسم من محمد بن علی بن الحسین است. جابر بوسه بر پیشانی او زد و گفت: جدت به وسیله من به تو سلام رساند. او به احترام آن حضرت هر روز دوبار به دیدارش می‌رفت و در مسجد پیامبر در میان انبوه جمعیت می‌نشست و در پاسخ مغرضین که از کار او خرده‌گیری می‌کردند، پیشگویی پیامبر اسلام را نقل می‌کرد.<sup>۲</sup>

مؤلف کتاب لسان العرب درباره لقب باقر العلوم برای امام پنجم می‌نویسد: محمد بن علی را باقر لقب دادند؛ چون او علم را شکافت و اصل آن را معرفی و فروع آن را استنباط کرد و آن را توسعه داد.<sup>۳</sup>

۱- احتجاج، طبرسی، ص ۱۷۶.

۲- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۵، روایت ۵.

۳- لسان العرب، ذیل کلمه باقر.